

# حکم انفصال از خدمت سیف ۶ ماه قبل از برکناری!

صفحه ۲



## آغازی از جنس طلا

صفحه ۱۴



### تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز» از جلسات پرحاشیه مجلس در ۳ دوره اخیر: از تصویب وقف اموال دانشگاه آزاد تا برجام و CFT

## یکشنبه‌های سیاه



صفحه ۵

دلار دوباره وارد کانال ۱۴ هزار تومان شد

## جهش دوباره نرخ ارز و سکه

صفحه ۲

توضیحات بانک کشاورزی درباره بخشنامه اداره کل مبارزه با پولشویی: نمی‌توانیم فهرست اشخاص تحریمی را رعایت نکنیم

## مهر تأیید بانک دولتی بر خود تحریمی با FATF

صفحه ۲

ناگفته‌های معاون وزیر کشور درباره نحوه هزینه کمک‌های مردمی جمع‌آوری شده توسط سلبریتی‌ها

## جاخالی سلبریتی‌ها!

صفحه ۴

### دیدگاه

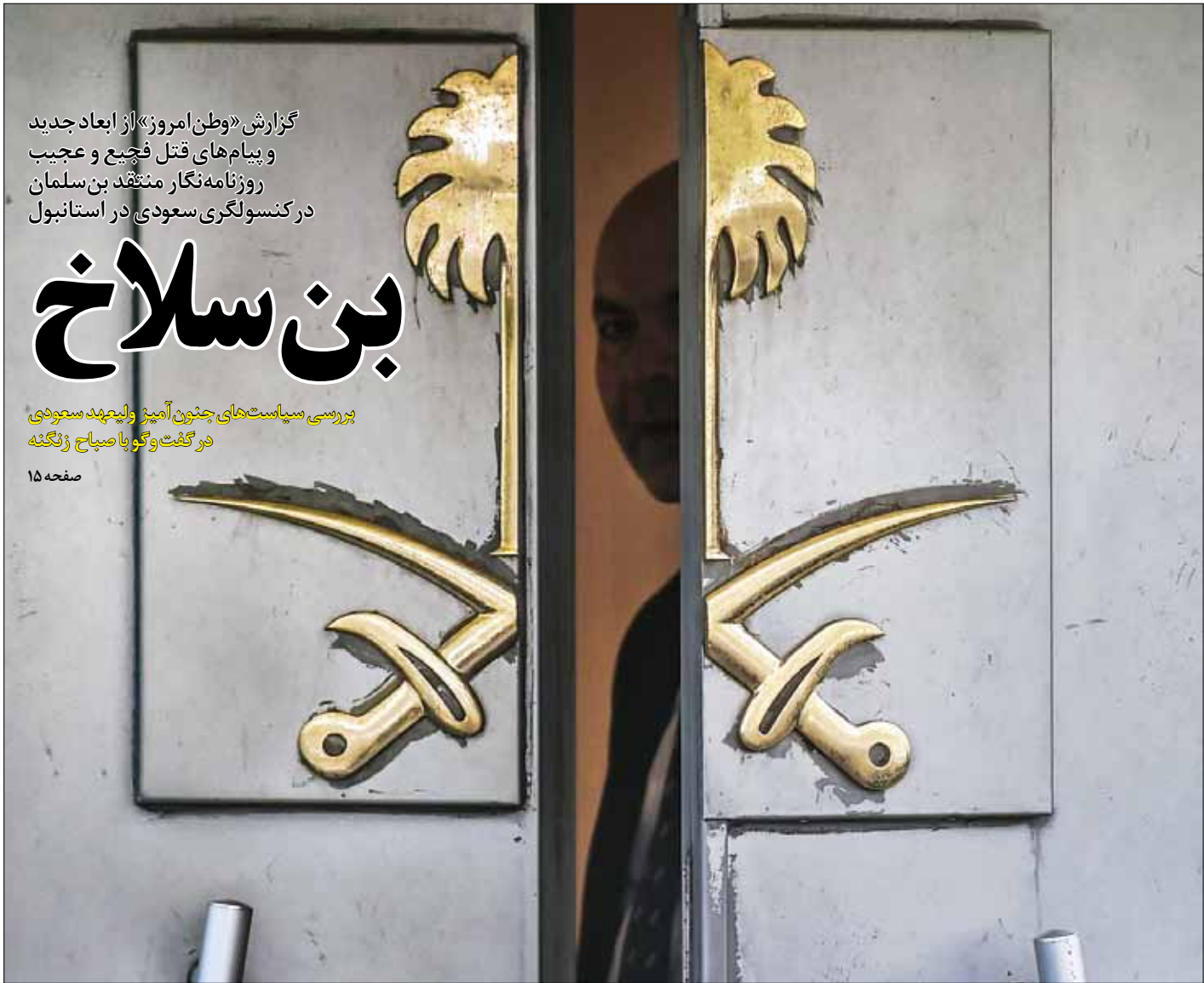
## پیمان پولی دوجانبه و فرصت‌های پیش‌رو

مجتبی‌امیری

پیمان پولی دوجانبه که در ساده‌ترین تعریف به حذف ارزهای جهان‌روا در میان کشورها و به‌کارگیری ارزهای ملی در مبادلات تجاری می‌انجامد، یکی از مکانیزم‌های کاربردی و موثر در شرایط مواجهه با تحریم‌ها و مقاومت‌سازی اقتصاد کشور در برابر نوسانات ارزی خواهد بود که راهبرد آمریکا را در محدود کردن نقل‌وانتقالات بانکی ذیل نظام پرداخت و چرخه دلار با هدف شکست اقتصاد ایران ناکام خواهد گذاشت.

بیش از یک دهه است از امضای نخستین پیمان پولی دوجانبه و چندجانبه بین کشورهای چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی که به گروه بریکس Brics معروف شدند، می‌گذرد و از آن پس بین دهه‌ها کشور این پیمان مهم پولی موسوم به Currency Swap Agreement منعقد شده است. ایران در بخش اعظمی از این مدت تحت فشار شدیدترین تحریم‌های تاریخ سیاسی- اقتصادی قرار داشته است. اگرچه این روزها خبری خوش از مسکو و سفر رئیس بانک مرکزی برای امضای پیمان پولی دوجانبه با روسیه به گوش می‌رسد اما بررسی سوابق اسناد بالادستی توسعه کشور از ازنسبت رفتن یک فرصت مهم چندین ساله و انفعال در این بخش خبر می‌دهد که فارغ از اینکه کدام دولت‌ها بر سر کار بوده‌اند، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گرفته است و حتی بعضاً مجلس نیز در این امر شریک بوده است. ۲۹ بهمن ۹۲ بود که رهبر معظم انقلاب در ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به روسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت، در بندهای ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۲ این سیاست‌ها بر لزوم استفاده از سازوکار مبادلات تهاتری برای تسهیل روابط بازرگانی با سایر کشورها، توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید کردند و در ادامه نیز نهم تیرماه ۹۴ در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه به رئیس‌جمهور و در بند ۴ بخش اقتصادی این نامه، انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۱۰، ۱۱۱ و ۱۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ضروری دانستند. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد از یک طرف حذف ماده مربوط به انعقاد پیمان‌های پولی دوجانبه و...

ادامه در صفحه ۱۲



گزارش «وطن امروز» از ابعاد جدید و پیام‌های قتل فجیع و عجیب روزنامه‌نگار منتقد بن سلمان در کنسولگری سعودی در استانبول

## بن سلاخ

بررسی سیاست‌های جنون‌آمیز ولیعهد سعودی در گفت‌وگو با صبیح زنگنه

صفحه ۱۵

درب کشورگری عربستان در استانبول

شدن آنها هم نیست- در شورای نگهبان و مجمع تشخیص، جماعت اصلاحاتی، دولتی و دوستان آقای رئیس خواهند گفت حیف، نگذاشتند! اگر می‌گذاشتند، می‌شد، آن هم چه شدنی! دوستان دولتی و آقای لاریجانی اما خوب است به این سوال پاسخ دهند که اگر آمریکا یا اروپا فردا بهانه ترکمن صحرا، غار علی صدر و حافظیه را گرفتند، چه خواهند کرد؟ آیا در آن صورت هم راه‌حل را رفع می‌تواند یازل این روزهای صحنه سیاست ایران را تکمیل کند.

بگذارد از ابتدا مرور کنیم: ما برجام را با آمریکا و اروپا امضا کردیم. آمریکا از برجام خارج شد. اروپا گفت منافع اقتصادی ما را تأمین خواهد کرد، به شرط اینکه در برجام بمانیم. ما گفتیم صبرمان اندک است، حداکثر چند هفته! اروپا برای نشان دادن حسن‌نیت و احترام به ما (۶) ارائه بسته پیشنهادی خود را به نوامبر (۶) ماه بعد و موعد بازگشت تحریم‌های اصلی آمریکا) موکول کرد. طبق گفته قهرمان اصلی دیپلماسی ما، اروپا بعداً برای ارائه بسته در همان زمان هم برای ما شرط گذاشت: تصویب FATF! حالا محتوای بسته چیست؟ از شما چه پنهان، چنانکه بیداست، شخص قهرمان دیپلماسی ما هم نمی‌داند، لذا دیگر مثل برجام نمی‌تواند حتی قول رفع مشکلات اقتصادی در صورت تأمین شروط اروپا را هم به نمایندگان مجلس بدهد! عجب! خب! نمایندگان چرا با این وضعیت به FATF رای داده‌اند؟ پاسخ روشن و یک کلمه است: لاریجانی!

حالا من مرده و شما زنده خواهید دید که در صورت رد همین لوایح- که به گفته آقای ظریف هیچ تضمینی برای حل مشکلات در صورت نهایی

## سقف تمایل شما کجاست؟

محمدحجتی

مخالفت تلویحی با تصویب لوایح FATF در نهایت باز هم مجلس را نهاد اصلی تصمیم‌گیر در این زمینه معرفی کردند. حالا هم مجلس به تشخیص آقای رئیس تمکین و لوایح را تصویب کرده است. گام بعدی هم طبعاً باید در شورای نگهبان برداشته شود.

با توجه به اعلام مخالفت قبلی شورای نگهبان با دیگر لوایح FATF، از هم‌اکنون تلاش‌هایی برای تأثیرگذاری بر رأی اعضای مجمع تشخیص در این باره توسط دولتی‌ها آغاز شده است. پیش از این محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از دور زدن شورای عالی نظارت مجمع توسط علی لاریجانی در زمینه بررسی این لوایح خبر داده بود، این یعنی ساکنان خانه قانون‌گذاری قانون‌گریزند و البته وای به روزی که بگنجد نمک!

طبق گفته فعالان دانشجویی، رضایی گفته است: «علی لاریجانی پس از مواجهه با مخالفت قاطع هیات عالی نظارت مجمع تشخیص که وظیفه‌اش تطبیق همه قوانین مجلس با سیاست‌های کلی نظام است، به جای اصلاح، آن را مستقیماً با برچسب مصلحت، روانه صحن مجمع تشخیص کرده و به نوعی، شورای عالی نظارت را دور زده است». همه اینها نشان می‌دهد دولت و لاریجانی، در پی تصویب این لوایح به هر قیمتی هستند. این در حالی است که محمدجواد ظریف در صحن علنی مجلس گفته است «نه او و نه رئیس‌جمهور هیچ تضمینی نمی‌دهند که با تصویب

سلام وطن  
۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی  
@vatanemrooz

پیامک خوانندگان  
۱۰۰۰۲۲۳۱

تهدید تولید ملی  
خرید کالای خارجی!

### یادداشت امروز

## چند نکته درباره

## تصویب CFT در مجلس

امیدرامز

یکم- جلسه رای‌گیری برای تصویب CFT جدای نتیجه نهایی، یک بخش مهم و تعیین‌کننده داشت و آن قرائت استفساریه و مصاحبه آن در جهت مطلوبات جناحی بود. راهبرد دولت و جریان حامی آن با یک تیم رسانه‌ای مجهز در سال‌های گذشته مشخص بوده است. همان‌طور که در جریان مذاکرات هسته‌ای به‌رغم مخالفت صریح و چندین باره رهبری، سعی در جهت‌دهی انهدان و القای این گزاره به فضای عمومی جامعه و خواص حکومتی داشتند که رهبری معتقد به نرمش قهرمانانه‌اند و لذا با برجام موافقت و قبل از امضای توافق در جریان ریز جزئیات توافقنامه بوده و از آن رضایت کامل داشته‌اند، این بار نیز رئیس مجلس با سوءاستفاده از استفساریه رهبر معظم انقلاب، زمینه تأیید و تصویب لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم را فراهم کرد. نتایج این راهبرد نیز واضح‌تر از آن چیزی است که نیاز به توضیح داشته باشد؛ انداختن توپ در زمین رهبری اولاً امکان جلب موافقان بیشتری از مسؤولان ذی‌صلاح را فراهم می‌کند، ثانیاً مانع جبهه‌گیری عمومی و رسانه‌ای علیه تصمیمات و مصوبات می‌شود، ثالثاً ضمن انجام عملیات روانی و فعالیت گسترده رسانه‌ای درباره تنگنایهای اقتصادی و فرافکنی از سوءمدیریت‌های سال‌های اخیر، سعی می‌شود در صورت مخالفت تحکمی رهبری (و سایر نهادهای انتصابی مثل شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت)، هزینه‌های فشار اقتصادی به مردم به پای ایشان ثبت شود و رابعاً در انتها در صورت شکست طرح یا لایحه، عواقب کار گریبانگیر رهبری، به‌عنوان بالاترین مقام نظام شود و امکان شانه خالی کردن از مسؤولیت و فرار به جلو برای تصمیم‌گیران اصلی فراهم شود. این در حالی است که مقام معظم رهبری در فرمایشات اخیرشان در جمع نمایندگان مجلس فرموده بودند: «همان‌گونه که درباره برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی اخیر در مجلس، گفتیم، مجلس شورای اسلامی که رشیدی و بالغ و عاقل است، باید مستقلاً در موضوعاتی مثل مبارزه با تروریسم یا مبارزه با پولشویی قانون‌گذاری کند. البته ممکن است برخی مفاد معاهدات بین‌المللی خوب باشد اما هیچ ضرورتی ندارد که با استناد به این مفاد به کنوانسیون‌هایی بیبندیم که از عمق اهداف آنها آگاه نیستیم، یا می‌دانیم مشکلاتی دارند». ایشان پیش از این نیز ۲۰ تیرماه ۹۴ فرموده بودند: «کسانی به عنوان نماینده رهبری از زبان رهبری حرف می‌زنند؛ خب! من خودم هنوز الحمدلله زبلم از کار نیفتاده». حرف خود من که مقدم بر حرف آنهاست.

دوم- راهبرد کلان و دائم جمهوری اسلامی در طول ۴ دهه گذشته مبتنی بر اصل «تهدیدزدایی» و حفظ «اقتدار» بوده است. اقتدار به معنی توان اعمال اراده خود به دیگری یا توان ممانعت از تحمیل اراده دیگری بر خود، همواره گزاره محوری انقلاب اسلامی بوده است و خود را در گفتن استقلال، استکبارستیزی و آزادی (با مفهوم توحیدی آن و به تعبیر شهید آوینی، نفی تعبد غیر خدا) در عرصه سیاسی، رفع فتنه از خارج از مرزها و دفاع از مستضعفین و تقویت جبهه مقاومت مبتنی بر دکترین دست‌های بلند (Long Hand Doctrine) در عرصه نظامی، صدور انقلاب در عرصه فرهنگی و اقتصاد مقاومتی در عرصه اقتصادی نشان داده است. اما با روی کار آمدن دولت یازدهم و ادامه آن در دولت دوازدهم، راهبرد تهدیدزدایی جای خود را به «تنش‌زدایی» و اکنون در سطحی نازل‌تر به «بهبودزدایی» داده. در راهبرد تهدیدزدایی رویکرد بر افزایش قدرت جهت افزایش توان چانه‌زنی و امتیازگیری متمرکز است اما در راهبرد تنش‌زدایی کاهش یا حذف مولفه‌های اقتدارآفرین جهت زدودن تنش یا گرفتن بهانه از طرف مقابل، مورد توجه است. جمله ظریف، وزیر امور خارجه در روز رای‌گیری درباره CFT که گفت: «من و رئیس‌جمهور تضمین نمی‌دهیم که در صورت تأیید CFT گشایش مالی ایجاد شود ولی تضمین می‌دهیم که در صورت عدم تصویب، بهانه به دست آمریکا برای اعمال فشار بیشتر خواهیم داد»، دقیقاً در راستای راهبرد بهانه‌زدایی قابل تحلیل است. سوال اساسی این است: زدودن تنش و گرفتن بهانه از دشمن، تا کجا ادامه خواهد داشت؟

ادامه در صفحه ۱۲